

اسکات فیتزجرالد  
**آخرین قارون**  
ترجمہ ی علی رضا کیوانی نژاد



ترجمہ

جهان کلاسیک

## فصل ۱

با این که هیچ وقت روی پرده‌ی سینما نبوده‌ام اما بزرگ‌شده‌ی صنعت فیلم هستم. بعدها به من گفتند رودولف والتینو<sup>۱</sup> به تولد پنج‌سالگی‌ام آمده بود. این را گفتم که بگویم قبل این که دست چپ‌وراستم را بشناسم دورادور می‌دانستم جریان چیست.

یک بار می‌خواستم خاطراتم را با عنوان دختری یک تهیه‌کننده بنویسم اما در هجده‌سالگی واقعاً چیزی در این باره برای نوشتن ندارید. شاید هم این دست‌سرنوشت بود وگرنه به بی‌مزگی ستون لولی پارسون<sup>۲</sup> می‌شد. مثل هر مرد دیگری که می‌تواند در کار کتان یا فولاد باشد پدرم در صنعت فیلم‌سازی مشغول بود و من هم با این مسئله کنار آمده بودم. در بدترین حالت می‌شد گفت من هالیوود را مثل روح سرگردان خانه‌ای جن‌زده پذیرفته بودم. می‌دانستم که باید با این مسئله مشکل داشته باشم اما نداشتم.

گفتنش آسان است اما درکش برای مردم سخت. وقتی در بنینگتون<sup>۳</sup> بودم برخی معلمان [ادبیات] انگلیسی وانمود می‌کردند اعتنایی به هالیوود یا تولیداتش ندارند یا این که واقعاً از آن بیزار بودند. انگار حس می‌کردند تهدیدی برای موجودیت خودشان است. حتی قبل آن، وقتی در یک صومعه بودم، راهبه‌ی ریزه‌میزه‌ی بانمکی از من

۱. Rudolph Valentino (۱۸۹۶ - ۱۸۹۵)؛ بازیگر سرشناس سینمای هالیوود. - م.

2. Lolly Parsons

۳. کالجی در ایالت ورمونت آمریکا. - م.